کیهان

اخبار کشور

صفحه ۷
دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵
۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ - شماره ۲۴۲۱۷

درمکتب امام

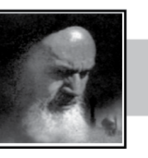

معتقد بشوید به اینکه «می‌توانیم»

عمده این است که شما دو جهت را در نظر بگیرید که من کراراً عرض کردم، یکی اعتماد به خدای تبارک و تعالی، که وقتی که برای او بخواهید کار بکنید به شما کمک می‌کند، راه را برای شما باز می‌کند، در هر رشته که هستید راه‌های هدایت را به شما الهام می‌کند، و یکی اتکال به نفس، اعتماد به خودتان. شما خودتان جوان‌هایی هستید که می‌توانید همه کارها را انجام بدهید. مخترعین ما می‌توانند در سطح بالا اختراع بکنند. مبتکرین ما می‌توانند در سطح بالا ابتکار کنند، به شرط اینکه اعتماد به نفس خودشان داشته باشند، و معتقد بشوند به اینکه «می‌توانیم».

صحیفه امام؛ ج۱۸؛ ص۱۸۹ | جماران ۱ آبان ۱۳۶۲

قدردانی فرستاده ویژه رهبر انقلاب اسلامی از دولت و ملت عراق

فرستاده ویژه رهبر انقلاب اسلامی از دولت و ملت عراق برای مشارکت در مراسم تشییع قائد شهید امت قدردانی کرد.

فالح الفیاض، رئیس سازمان حشد شعبی عراق، از هیئت اعزامی از سوی آیت‌الله العظمی امام سید مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، استقبال کرد.

بر اساس گزارش رسانه‌های عراقی، هیئت ایرانی در این دیدار از مواضع رسمی و مردمی عراق و ابراز همدردی و وفاداری ملت عراق در سوگ فقدان رهبر شهید انقلاب تجلیل کرد. به گزارش تسنیم، در این دیدار، فالح الفیاض و فرماندهان حشد شعبی ضمن ابراز تسلیت مجدد، بر تداوم روابط راهبردی و پیوندهای مستحکم میان عراق و ایران تأکید کردند.

جشن «امت احمد» در تهران برگزار می‌شود

معاون فرهنگی - هنری سپاه تهران بزرگ از برگزاری جشن «امت احمد» با شعار «جهان در آغوش رحمت» از میدان هفت تیر تا میدان ولی‌عصر(عج) تهران در روز یکشنبه هشتم شهریورماه خبر داد.

رحیم نادعلی، معاون فرهنگی - هنری سپاه حضرت محمد رسول‌الله(ص) تهران بزرگ در گفت‌وگو با فارس از برگزاری جشن بزرگ «امت احمد» با شعار «جهان در آغوش رحمت» خبر داد و اظهار کرد: هشتم شهریورماه میعادگاه عاشقان پیامبر رحمت و مهربانی حضرت محمد مصطفی(ص) در تهران خواهد بود.

وی افزود: این اجتماع بزرگ با محوریت «خونخواهی رهبر شهید» در سایه اقتدار نبوی، با حضور اقشار مختلف مردم، خانواده‌ها، جوانان و فعالان فرهنگی برگزار می‌شود.

برگزاری اجتماع از میدان هفت‌تیر تا میدان ولی‌عصر(عج)

نادعلی ادامه داد: این اجتماع روز یکشنبه هشتم شهریورماه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ در مسیر میدان هفت‌تیر تا میدان ولی‌عصر(عج) تهران برگزار خواهد شد.

وی گفت: در این برنامه موکب‌های فرهنگی و هنری با اجرای سرودهای آیینی و حماسی، روایتگری، تواشیح، برنامه‌های ویژه کودک و نوجوان، نمایش‌های فرهنگی و هنری، غرفه‌های کتاب و محصولات فرهنگی و ایستگاه‌های پذیرایی، زمینه مشارکت عمومی را فراهم می‌کنند.

معرفی پیامبر رحمت به نوجوانان و جوانان

معاون فرهنگی - هنری سپاه تهران بزرگ هدف از برگزاری این برنامه را معرفی پیامبر نور و رحمت به نوجوانان و جوانان، تقویت انسجام ملی، ترویج فرهنگ ایثار و مقاومت و فراهم‌کردن زمینه حضور فعال مردم در یک رویداد فرهنگی و اجتماعی عنوان کرد.

نادعلی افزود: باتوجه به شرایط و تحولات منطقه‌ای، حضور گسترده مردم در این اجتماع می‌تواند نمادی از انسجام اجتماعی، همدلی و مشارکت عمومی باشد.

وی از عموم مردم، به‌ویژه خانواده‌ها، جوانان، فعالان فرهنگی و هنرمندان دعوت کرد تا با حضور در این برنامه در بخش‌های فرهنگی و هنری پیش‌بینی‌شده مشارکت کنند.

برگزاری جشن‌های وحدت‌آفرین

نادعلی از برگزاری جشن‌های وحدت‌آفرین به‌عنوان یکی از اقدامات ویژه این مراسم یادکرد و گفت: در این برنامه هنرمندان و فعالان فرهنگی اهل‌سنت و اقوام و مذاهب نیز حضور خواهند داشت. وی ادامه داد: همچنین به مناسبت هفته وحدت و شب میلاد نبی مکرم اسلام(ص)، در تمامی میادین تهران جشن وحدت و میلاد بابرکت نبی مکرم اسلام(ص) برگزار خواهد شد. معاون فرهنگی - هنری سپاه تهران بزرگ در پایان گفت: علاقه‌مندان برای ثبت‌نام موکب‌های پذیرایی و فرهنگی می‌توانند به سامانه موکب‌یار به نشانی www.mokebyar.com مراجعه کنند.

عراقچی:

همه ما در قبال خون شهدا پاسخگو هستیم

وزیر امور خارجه ایران در مراسم گرامیداشت خانواده‌های شهدا و جانبازان گفت که همه در قبال خون شهدا پاسخگو هستیم.

در آغاز هفته دولت و با هدف گرامیداشت یاد و خاطره شهدای وزارت امور خارجه و تجلیل از خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان و ایثارگران، مراسمی با حضور سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه و اعضای خانواده شهدای وزارت امور خارجه برگزار شد.

وزیر امور خارجه در این مراسم با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای انقلاب اسلامی، سه جنگ تحمیلی، شهدای ترور و دیپلماسی و در رأس همه آنان، سیدالشهدای انقلاب اسلامی ایران، رهبر شهید، از فداکاری و ایثار شهدا، جانبازان و خانواده‌های معظم آنان قدردانی کرد. عراقچی با اشاره به آغاز هفته دولت، خون شهدا را ضامن خدمتگزاری به مردم و صیانت از منافع و مصالح کشور دانست و اظهار داشت: هفته دولت فرصتی برای بازخوانی وظایفی است که برعهده ما گذاشته شده است؛ وظایفی که در جمهوری اسلامی ایران با خون شهیدان و فداکاری ایثارگران پیوندی عمیق و ناگسستنی دارد.

عراقچی با بیان اینکه وزارت امور خارجه نیز در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی شهدای بزرگی همچون شهید حسین امیرعبداللهیان و شهید کمال خرازی را تقدیم کشور کرده است، اظهار داشت: همه ما در قبال خون شهدا پاسخگو هستیم و باید همواره به یاد داشته باشیم چه مسئولیت‌هایی را برعهده گرفته‌ایم.

وی با اشاره به نقش خانواده‌های معظم شهدا در صیانت از فرهنگ ایثار و شهادت افزود؛ خانواده شهدا نیز در این فداکاری سهیم هستند و خدمت به خانواده‌های معظم شهدا را توفیقی بزرگ و ادای دینی در برابر ایثار آنان می‌دانیم و هرچه برای این سرمایه‌های بزرگ انجام دهیم، در برابر بزرگی فداکاری آنان ناچیز است.

در ادامه این مراسم، جمعی از اعضای خانواده معظم شهدای وزارت امور خارجه ضمن بیان دیدگاه‌ها و دغدغه‌های خود، پیشنهادهایی را درباره سیاست خارجی و عملکرد وزارت امور ایران مطرح کردند.

آمریکا هیچ راهی جز صحبت با احترام با مردم ایران ندارد

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران همچنین روز یکشنبه (۱ شهریورماه) در حاشیه مراسم تجدید میثاق با آرمان‌های بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی ایران در حرم امام خمینی(ره) در واکنش به تهدیدهای آمریکا برای تحریم‌ها اقتصادی شدید گفت: عملیات اقتصادی که ترامپ ادعا می‌کند، یک سناریوی تکراری و همان قلدری همیشگی در سیاست‌های آمریکاست. به تعبیری فیلم تکراری است که بارها تماشا کرده‌ایم و ما می‌دانیم چگونه باید با آن مقابله و برخورد کنیم.

عراقچی تاکید کرد: اینکه از عملیات نظامی و اینکه می‌زنیم فلان می‌کنیم دوباره رسیده‌اند به همان طرح‌های قدیمی نشان می‌دهد که مستاصل هستند. در برابر ملت بزرگ ایران چاره‌ای به ذهنشان نمی‌رسد و دائم طرح‌های تکراری را به صحنه می‌آورند.

وی تصریح کرد: باید بدانند که هیچ راهی جز صحبت با احترام با مردم ایران و یک راه‌حلی که مبتنی بر عدالت و شرافت باشد وجود ندارد. وزیر خارجه در واکنش به سؤال خبرنگاری که پرسید: آیا از محاصره اقتصادی و تهدیدها می‌ترسید؟ پاسخ داد: هیچ وقت نترسیده‌ایم. تمام حرکاتشان چه محاصره چه سایر حرکات نظامی که داشتند، شکست خورده، این بحث جدیدشان هم شکست می‌خورد.

الجزیره:

شراکت با چین فشار اقتصادی بر ایران را کم‌اثر کرد

خبرنگار شبکه الجزیره با اشاره به وجود شک و تردید در آمریکا نسبت به میزان تأثیرگذاری سیاست فشار اقتصادی بر تهران تأکید کرد: روابط اقتصادی خاص ایران با چین به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری و واردکننده نفت این کشور، عملا این سیاست‌ها را کم‌اثر کرده است.

ایهاب العبسی، خبرنگار شبکه الجزیره در واشنگتن تاکید کرد که دولت آمریکا سقف خواسته‌های خود را درخصوص تحریم‌های ایران افزایش داده و امید دارد محاصره دریایی در کنار فشار اقتصادی باعث شود تهران به پذیرش یک توافق روی آورد. وی اضافه کرد: این در حالی است که شک و تردیدهایی در آمریکا درخصوص میزان تأثیرگذاری این سیاست وجود دارد به ویژه آن که ایران روابط اقتصادی خاصی با چین به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری و واردکننده نفت این کشور دارد.

خبرنگار الجزیره تصریح کرد: سؤالاتی در آمریکا درخصوص این که تحریم‌های مذکور نهادهای مالی چین را نیز دربر خواهد گرفت یا خیر مطرح شده است.

به گزارش مهر، پیشتر روزنامه رأی الیوم در این خصوص نوشته بود که ایران نزدیک به پنج دهه تجربه مقابله با تحریم‌ها دارد و از طریق روابط اقتصادی با چین و روسیه و شبکه‌های مالی و تجاری جایگزین می‌تواند بخشی از فشارها را خنثی کند. تحریم‌ها ممکن است هزینه‌های جهانی، به‌ویژه در بازار انرژی و تنگه هرمز، را افزایش دهند.

گزارش روز صد و هفتاد و هفتم جنگ

ایران، قدرت مسلط منطقه شده و دیگر نیازی به توافق با آمریکا ندارد

لاف‌های دولت درمانده ترامپ کمترین انطباقی با واقعیات میدان نشان نمی‌دهند و بنابراین رابرت کیگان از چهره‌های مطرح نومحافظه‌کار آمریکایی برای چندمین بار دست به قلم شده و اذعان کرده که ایران، قدرت برتر است. از این به بعد، قدرت مسلط در خاورمیانه، آمریکا یا اسرائیل نخواهد بود، بلکه ایران خواهد بود.

تکذیبیه‌های رویترز و کپلر بر لاف آمریکا

مقامات آمریکایی هر روز برای آرام کردن بازار ادعا می‌کنند که چند میلیون بشکه را از تنگه‌هرمز عبور داده‌اند. سنتکام دیروز مدعی شد: نیروهای این کشور از ماه مه تاکنون به عبور حدود ۱۳۰۰ کشتی تجاری از تنگه‌هرمز کمک کرده‌اند. این کشتی‌ها در مجموع بیش از ۶۶۰ میلیون بشکه نفت خام را از این مسیر عبور داده‌اند. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که تردد کشتی‌ها در تنگه‌هرمز همچنان به‌شدت پایین‌تر از سطح پیش از جنگ است. در این باره، خبرگزاری رویترز دیروز گزارش داد: انتقال محموله‌های نفتی از طریق تنگه‌هرمز پس از ماه‌ها جنگ تقریباً متوقف شده است.

همچنین داده‌های ردیابی کشتی کپلر، با استفاده از وضعیت AIS و تصاویر ماهواره‌ای، دیروز نشان می‌داد که روز جمعه هیچ عبور تانکری از غرب به شرق و هیچ بشکه نفتی از تنگه‌هرمز خارج نشده است.

ترامپ مجبور است امتیازات بیشتری بدهد

منابع رسانه‌ای دیروز خبر دادند که عاصم منیر فرمانده ارتش پاکستان دوشنبه به ایران سفر می‌کند تا میانجیگری میان آمریکا و ایران را مجدداً فعال کند. اما در همین حال، لارنس نورمن خبرنگار وال‌استریت ژورنال نوشت: برداشت شخصی من این است که در نهایت، دوباره به همان تفاهم‌نامه برخواهیم گشت، اما بهای موافقت ایران با مفاد آن، از نظر امتیازاتی که ایران در همان ابتدا دریافت خواهد کرد، بیشتر خواهد بود. و ترامپ حاضر خواهد شد این بها را بپردازد. باید صبر کنیم و ببینیم چه پیش می‌آید.

از سوی دیگر، روزنامه فایننشال تایمز به نقل از کارشناسان گزارش داد: جنگ ایران، ضربه اقتصادی سنگینی به آمریکا وارد کرده است. پیامدهای جنگ ایران بر قیمت سوخت در آمریکا خودنمایی می‌کند. میانگین قیمت گازوئیل در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ از سطح ثبت شده در دوره ریاست‌جمهوری جو بایدن نیز فراتر رفته است.

آمریکا قادر به ازسرگیری جنگ نیست

راز زیمت، پژوهشگر اسرائیلی و مدیر برنامه ایران و محور شیعی در مؤسسه مطالعات امنیت ملی تل‌آویو، در یادداشتی که در روزنامه «یدیعوت آحارونوت» به شکست آمریکا اذعان کرد و نوشت: اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر تشدید انزوای اقتصادی ایران، نشان می‌دهد رویارویی با تهران وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ آن هم در شرایطی که احتمال بازگشت به جنگی فراگیر کاهش یافته است. به نظر می‌رسد ترامپ به این باور رسیده که ازسرگیری جنگ گسترده، تضمینی برای دستیابی به پیروزی نیست؛ بلکه ممکن است وضعیت را پیچیده‌تر کند، به‌ویژه با توجه به توان ایران برای وارد کردن خسارت‌های سنگین به کشورهای همجوار و کشاندن واشنگتن به جنگی پرهزینه و طولانی.

تحریم‌ها، قدرت چانه‌زنی ایران را افزایش می‌دهد

استیو هانکه اقتصاددان برجسته، استاد دانشگاه جانز هاپکینز هم در تحلیل وضعیت جنگ گفته است: ترامپ پس از شکست فاجعه‌بار استراتژیک از ایران، به جنگ اقتصادی علیه ایران توسل جسته است. تحریم‌ها و فشار، فقط قدرت چانه‌زنی تهران را افزایش می‌دهد و ائتلاف‌های جایگزین را تقویت می‌کند. جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران از روز اول انقلاب اسلامی آغاز شده و تا پایان ۲۰۲۵، ایران قوی‌ترین اقتصاد خلیج‌فارس از نظر رشد GDP سرانه بوده است (تقریباً هم‌سطح یا کمی بالاتر از عربستان). او افزود: اهداف اولیه جنگ (تغییر رژیم، نابودی غنی‌سازی، نابودی موشک‌های دوربرد، قطع اتحاد با حوثی‌ها، حزب‌الله و حماس) هیچ‌کدام محقق نشده و اکنون اهداف به «باز کردن تنگه‌هرمز» (که قبل از جنگ باز بود) و «توافق هسته‌ای» (که ترامپ خودش در دور اول نابود کرد) تقلیل یافته است. تشدید تحریم‌ها نه‌تنها ایران را خرد نمی‌کند، بلکه آسیب جانبی بسیار بیشتری به متحدان آمریکا (قطر، عربستان، ترکیه، پاکستان، عراق) وارد می‌کند و قدرت چانه‌زنی تهران را افزایش می‌دهد. محاصره دریایی دوم به دلیل کمبود ظرفیت نیروی دریایی آمریکا (ناو آبراهام لینکلن در حال بازگشت، پایگاه بحرین نابودشده، مسافت‌های طولانی تأمین) شکست خواهد خورد؛ تاریخ محاصره‌ها نشان می‌دهد بدون دوره بسیار طولانی کار نمی‌کنند.

ایرانی‌ها به خوبی با تحریم‌ها آشنا هستند

خبرگزاری آسوشیتدپرس با نقد سیاست ادعایی دونالد ترامپ علیه ایران نوشت: کارشناسان بین‌المللی تحریم‌ها بازگشت ترامپ به تحریم‌های اقتصادی را نشانه دیگری از شکست او در محقق کردن اهداف نظامی‌اش در جنگ می‌دانند. ترامپ ایران را به تحریم‌های شدید اقتصادی تهدید کرده اما ایران با مقوله تحریم آشنا است. به نظر می‌رسد سیاست جدید ترامپ از بسیاری جهات ادامه همان سیاست فشار حداکثری است که او در دور نخست ریاستش علیه ایران به کار گرفت. اما ترامپ و متحدان آمریکا دریافتند که اعمال تحریم‌های ثانویه بدون ضربه زدن به منافع ایالات متحده ممکن نیست. بر همین اساس، دولت اول ترامپ مجبور به صدور معافیت‌های تحریمی برای چندین کشور شد.

تو در جنگ با ایران گرفتار شدی!

توماس مَسی، نماینده جمهوری‌خواه کنگره، عملکرد ترامپ را به باد انتقاد گرفت و در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: امروز ترامپ به خاطر سیاست فاجعه‌بارش در قبال گوشت قرمز مورد تمسخر قرار گرفته، بدهی آمریکا به دلیل «لایحه بزرگ و زیبایش» به ۴۰ تریلیون دلار رسیده، او در ماجرای جنگ با ایران گرفتار شده و تنها چند هفته تا شکست در انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر فاصله دارد.

کیگان: از این به بعد قدرت مسلط ایران است

اما قابل تأمل‌تر از تحلیل‌های دیگر، یادداشت رابرت کیگان از چهره‌های نومحافظه‌کار آمریکایی در نشریه آتلانتیک با عنوان «ایران، قدرت برتر» است. او می‌نویسد: از این به بعد، قدرت مسلط در خاورمیانه، آمریکا یا اسرائیل نخواهد بود، بلکه ایران خواهد بود. سال‌ها، ایران با توازنی از قدرت در خاورمیانه روبه‌رو بود که علیه آن بود. این منطقه تحت سلطه یک ابرقدرت آمریکایی خصمانه، اسرائیلی که به سلاح هسته‌ای مجهز بود و از نظر نظامی برتر بود، و بازیگران محلی مهمی مانند مصر، عربستان و امارات قرار داشت که از نظر استراتژیک و اقتصادی با ایالات متحده همسو بودند.

امروز، ایران در شرایط کاملاً جدیدی قرار دارد. این کشور با ابرقدرت و اسرائیل به طور مستقیم روبه‌رو شده، در برابر حملات سلاح‌های پیشرفته آن‌ها مقاومت کرده و نه تنها زنده مانده، بلکه پیروز شده است. در نتیجه، ایران، با کمک آمریکا، ساختار قدرت در خاورمیانه و خلیج‌فارس را به طور کامل تغییر داده است. قدرت مسلط در این منطقه، از این به بعد، ایران خواهد بود، نه آمریکا یا اسرائیل. کشورهای همسایه در حال حاضر در حال تطبیق خود با این واقعیت جدید هستند. قدرت‌های دورتر نیز همین کار را انجام خواهند داد. سال‌ها، جهان با ایرانی روبه‌رو بوده که محدودیت‌های زیادی داشت. اکنون، جهان متوجه خواهد شد که ایرانِ آزاد شده از محدودیت چه شکلی است.

ایران نیازی به توافقی با آمریکا ندارد

کیگان می‌افزاید: ایران نیازی به توافقی با ایالات متحده ندارد. این باور رایج که ایران ضعیف و فقیر در نهایت مجبور خواهد شد با قدرت آمریکا سازش کند، تنگه‌هرمز را باز کند و به ترمیم اقتصاد خود که به شدت آسیب دیده است، بپردازد، نادرست از آب درآمده است. ایران با پشت‌سر گذاشتن درگیری‌های نظامی، موازنه قدرت را در خاورمیانه تغییر داده است. واشنگتن به دلیل نگرانی از بحران اقتصادی و کمبود ذخایر موشکی، حملات نظامی را متوقف کرد.

تهران اکنون با کنترل تنگه‌هرمز، نظم تازه‌ای را اعمال کرده و کشورهای منطقه ناچارند خود را با این واقعیت راهبردی جدید سازگار کنند.

کیش و مات ترامپ در ایران

یادآور می‌شود رابرت کیگان چند ماه قبل هم در نشریه آتلانتیک و در مقاله‌ای با عنوان «کیش و مات ترامپ در ایران» اذعان کرده بود: به سختی می‌توان زمانی را به یاد آورد که ایالات متحده دچار یک شکست کامل در یک درگیری شده باشد. اما شکست در تقابل فعلی با ایران ماهیتی متفاوت دارد؛ نه قابل جبران است و نه قابل نادیده گرفتن. هیچ بازگشتی به وضعیت پیشین وجود نخواهد داشت. ایران با کنترل تنگه‌هرمز به عنوان بازیگر کلیدی در منطقه و جهان ظهور می‌کند. این درگیری، به جای نشان دادن قدرت آمریکا، کشوری را نشان داده که غیرقابل اعتماد و ناتوان است.

اهرم فشار تنگه‌هرمز، قدرتی بزرگ‌تر و فوری‌تر از برنامه هسته‌ای است که اجازه می‌دهد کشورها را مجبور به لغو تحریم‌ها کنند. ایالات متحده در خلیج‌فارس خود را به عنوان یک ببر کاغذی نشان داده است.

پایان دسترسی به ۱۵ پایگاه پنتاگون

بری مک‌کفری، ژنرال چهارستاره بازنشسته آمریکایی گفت: نیروهای مسلح آمریکا احتمالاً به‌طور دائمی دسترسی خود به ۱۵ پایگاه در منطقه خلیج‌فارس را از دست داده‌اند. ایران اکنون در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند بر دسترسی آمریکا به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس تأثیر بگذارد و واشنگتن برای دسترسی نظامی به مناطق جایگزین، از جمله غرب عربستان سعودی، اسرائیل و جنوب اروپا، ناچار به مذاکره خواهد بود.

جنگ ایران، فقط جنگ آمریکا و اسرائیل نبود

نشریه Middle East Eye دیروز گزارش داد: با وجود تأکید مقامات اروپایی بر اینکه «این جنگ اروپا نیست»، برخی کشورهای اروپایی در عمل به درجات مختلف از عملیات آمریکا و اسرائیل علیه ایران پشتیبانی کرده‌اند. بریتانیا مهم‌ترین نقش را داشته؛ آمریکا از پایگاه‌های بریتانیا در دیگو گارسیا، فرفورد، میلدنهال و لیکن‌هیث برای بمب‌افکن‌ها، جنگنده‌ها و سوخت‌رسانی استفاده کرده و لندن نیز در منطقه علیه پهپادهای ایرانی عملیات انجام داده است. فرانسه اجازه فرود هواپیماهای پشتیبانی نظامی آمریکا در پایگاه‌های خود را داد.

آلمان با بیش از ۳۶ هزار نیروی آمریکایی و پایگاه مهم رامشتاین، یکی از اصلی‌ترین مراکز نظامی آمریکا در اروپا است؛ هرچند نقش دقیق این پایگاه در جنگ فعلی محرمانه مانده است. یونان به ناو هواپیمابر آمریکایی USS Gerald R. Ford اجازه داد در پایگاه سودا در کرت تعمیر شود و نیروهای یونانی مستقر در عربستان نیز پهپادهای ایرانی را سرنگون کردند. بلغارستان و رومانی نیز اجازه استفاده آمریکا از پایگاه‌های نظامی خود را داده‌اند؛ هر دو کشور تأکید کرده‌اند فعالیت آمریکا صرفاً دفاعی است. در مقابل، اسپانیا سختگیرانه‌ترین موضع را گرفت: اجازه استفاده آمریکا از پایگاه‌های روتا و مورون برای جنگ را نداد و حتی حریم هوایی خود را به روی هواپیماهای نظامی آمریکا بست.

عقب‌نشینی بلغارستان از ترس تهدید ایران

در این میان خبرگزاری رویترز دیروز گزارش داد: بلغارستان پس از خشم و تهدید ایران، هواپیماهای سوخت‌رسان آمریکایی را از خاک خود خارج کرد. دو فروند هواپیمای تانکر آمریکایی، پایگاه بزمر بلغارستان را ترک کردند، یک ماه پس از استقرار که خشم ایران را برانگیخت. ایران در آن زمان اعلام کرد استقرار این هواپیماها به معنای همدستی در تهاجم و جنایات جنگی است. استقرار هواپیماها، منجر به اعتراضات ساکنان محلی شد که از حمله به این هواپیماها توسط موشک‌ها و پهپادهای ایرانی نگران بودند. در حال حاضر، امکان تماس فوری با مقامات آمریکایی برای اظهار نظر وجود ندارد».

از سوی دیگر در حالی که انگلیس در میزبانی هواپیماهای آمریکا و جنایت علیه ملت ایران نقش داشته، روزنامه تلگراف امروز ادعا کرد: «یک حمله سایبری در ماه گذشته باعث تعطیلی یک واحد کوچک تولید برق در انگلیس شد. این حمله هکرهای وابسته به ایران، نیروگاه را برای چهار روز از مدار خارج کرد. مقام‌های امنیتی غربی در ماه‌های اخیر نسبت به احتمال افزایش حملات سایبری مرتبط با تنش‌های تهران و واشنگتن هشدار داده‌اند».

آمریکا در حال خودکشی استراتژیک است

دیوید راتکوف، تحلیل‌گر سابق شورای امنیت ملی آمریکا می‌گوید: ترامپ در حال چک‌اوت از ریاست‌جمهوری است. جنگ با ایران و مدیریت آن توسط پیت هگست و اطرافیان، ذخایر تسلیحات دقیق آمریکا را تهی کرده، ناوگروه‌ها را فرسوده ساخته و برتری استراتژیک در برابر چین را از بین برده است. سیاست خارجی ترامپ به‌طور سیستماتیک به نفع چین، روسیه و ایران تمام شده و متحدان سنتی (ناتو، کره جنوبی، کانادا) را بیگانه کرده است.

آمریکا در حال خودکشی استراتژیک یک ابرقدرت است: سرمایه‌گذاری در علم و تحقیق متوقف، متحدان بیگانه، دشمنان تقویت‌شده و نهادها از درون فرسوده. بدون پاسخگویی کیفری واقعی (از جمله بررسی جنایات جنگی احتمالی)، فرهنگ مصونیت ادامه خواهد یافت و نسخه بعدی ترامپیسم بازخواهد گشت. پرسش بنیادین بی‌پاسخ این است: آیا آمریکا حاضر است قدرت خود را برای پیشبرد منافع واقعی‌اش به کار گیرد، یا همچنان به دلایل سیاسی داخلی، به متحدان فاسد و دشمنان استراتژیک امتیاز می‌دهد تا سقوط تدریجی‌اش تا میانه قرن، کامل شود.

دیگر به آمریکا نمی‌خندند؛ نادیده می‌گیرند

نشریه آتلانتیک در تحلیلی به قلم دیوید گراهام تأکید کرد: اعتبار آمریکا به پایان رسیده است. تنش‌های لفظی متناقض و تهدیدهای مداوم دونالد ترامپ پس از شش ماه درگیری با ایران، منجر به کاهش شدید اعتبار سخنان او در میان متحدان و رقبای منطقه‌ای شده است. ترامپ ماه گذشته در نشستی با متحدان خود در ترکیه گفت: دو سال پیش آن‌ها به ما احترام نمی‌گذاشتند و ما را مسخره می‌کردند. ناتو به ما می‌خندید؛ اما اکنون دیگر خبری از خنده نیست.

واقعیت اما این است که وضعیت از خندیدن هم فراتر رفته و رهبران جهان تصمیم گرفته‌اند سخنان رئیس‌جمهور آمریکا را به‌طور کامل نادیده بگیرند. ترامپ تمایل دارد خود را پیرو تئودور روزولت نشان دهد، اما بر خلاف اصول روزولت که می‌گفت «آرام سخن بگو و چماقی بزرگ حمل کن»، ترامپ با صدای بلند سخن می‌گوید و ابزار قدرتمندی در دست ندارد.

مقاله وارده

قوه قضائیه؛ قاضی مستقل، مردم ناظر، عدالت جاری

دکتر حسن خلیل خلیلی

هفته قوه قضائیه قریب به دو ماه است که گذشته و شاید در نگاه نخست، سخن گفتن امروز از پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت آن ایام، دیرهنگام به نظر برسد؛ اما برخی از سخنان را نمی‌توان در تقویم مناسبت‌ها محصور کرد. پیام هفتم تیر، به‌ویژه آنجا که از ضرورت تحول در قوه قضائیه، کاهش تضییع حقوق، ارتقای سلامت و اتقان آراء، سرعت رسیدگی، انسداد باب سفارش و توصیه و بی‌اثر شدن «آشنا بازی» سخن می‌گوید، بیش از یک پیام مناسبتی، یک نقشه راه برای اصلاح دستگاه عدالت است. اکنون که قوه قضائیه وارد دوره مدیریتی جدیدی شده است، بازخوانی آن پیام و طرح این پرسش که چگونه می‌توان تحول قضائی را از کلمات روی کاغذ به واقعیت زندگی مردم تبدیل کرد، نه دیرهنگام، بلکه ضروری است.

قوه قضائیه در نظام جمهوری اسلامی جایگاهی معمولی ندارد. قرار است پناهگاه مظلوم و سد راه تعدی صاحبان قدرت باشد. از همین رو، تحول قضائی را نمی‌توان صرفاً با افزایش تعداد سامانه‌ها، بخشنامه‌ها، معاونت‌ها و مدیران تعریف کرد. مسئله اصلی این است که آیا ساختار قضائی به گونه‌ای طراحی شده که قاضی بتواند با دانش، تجربه، شجاعت و استقلال، بدون ملاحظه قدرت و رابطه، درباره سرنوشت مردم تصمیم بگیرد یا خیر؟

به گمان من، یکی از دشواری‌های اساسی تحول قضائی آن است که قوه قضائیه باید خودش را از درون اصلاح کند، اما اصلاح یک ساختار بدون شناخت عمیق از سازوکارهای درونی آن ممکن نیست. رئیس قوه قضائیه برای هدایت چنین مجموعه‌ای صرفاً مدیر اداری نیست. مدیریت عالی قضائی نیازمند جمع همزمان سه سرمایه است: شناخت عمیق فقه و اصول فقه، تسلط بر حقوق و قوانین موضوعه و فلسفه وضع آنها و تجربه واقعی و طولانی در دستگاه قضائی. کسی که نداند قاضی چگونه می‌اندیشد، پرونده چگونه شکل می‌گیرد، تحقیقات مقدماتی چه اقتضائاتی دارد و یک تصمیم مدیریتی چه اثری بر استقلال قاضی می‌گذارد، نمی‌تواند صرفاً با توسعه ساختار اداری، تحول قضائی ایجاد کند.

از سوی دیگر، استقلال قاضی فقط یک عبارت قانونی نیست. قاضی زمانی مستقل است که در عمل نیز برای صدور رأی، دغدغه انتصاب، ارتقاء، جابه‌جایی، ارزیابی و ملاحظات اداری را به پرونده نیامیزد. اگر قاضی احساس کند تصمیم قضائی او ممکن است بر موقعیت اداری‌اش اثر بگذارد، حتی اگر هیچ دستور مستقیمی صادر نشده باشد، زمینه شکل‌گیری خودسانسوری قضائی فراهم می‌شود. استقلال واقعی یعنی قاضی بتواند بر اساس قانون، شرع، ادله پرونده و وجدان قضائی تصمیم بگیرد و از تبعات اداری تصمیم قانونی خود نترسد. در این میان، باید درباره ساختار عریض و طویل حوزه ریاست قوه قضائیه و امتداد آن در حوزه ریاست دادگستری‌های کل استان‌ها نیز صریح بود. وجود مدیریت اداری برای یک دستگاه بزرگ ضروری است، اما هر ساختاری که بیش از اندازه فربه شود، ممکن است از وسیله به هدف تبدیل شود. تعدد معاونت‌ها، مدیران و لایه‌های مدیریتی، اگر بدون ضرورت واقعی گسترش یابد، فاصله میان قاضی و مرکز تصمیم‌گیری را بیشتر می‌کند و ظرفیت اعمال نفوذ و انتقال ملاحظات غیرقضائی را افزایش می‌دهد. رئیس دادگستری حق مدیریت اداری دارد، اما حق مدیریت رأی قاضی را ندارد؛ معاون قضائی حق نظارت قانونی دارد، اما نظارت نباید به هدایت نتیجه پرونده تبدیل شود.

تجربه اکبر طبری نیز باید بیش از یک پرونده فساد فردی، یک هشدار ساختاری تلقی شود. برخورد قضائی با فساد ضروری است، اما پرسش مهم‌تر این است که چه ساختاری اجازه می‌دهد یک فرد در اطراف مرکز قدرت اداری، شبکه نفوذ ایجاد کند؟ اگر فقط با فرد فاسد برخورد کنیم و روزنه‌های تولیدکننده نفوذ را نبندیم، ممکن است نام‌ها تغییر کنند اما مسئله دوباره بازتولید شود. تجربه طبری باید به بازنگری در ساختار قدرت اداری، شفافیت، پاسخگویی و جلوگیری از تمرکز بی‌ضابطه قدرت منجر می‌شد.

راه اصلاح، لزوماً افزودن مدیر و نهاد نظارتی بیشتر نیست. حوزه ریاست قوه قضائیه و حوزه ریاست دادگستری‌های استان‌ها باید تا حد امکان کوچک‌تر، چابک‌تر و شفاف‌تر شوند و در مقابل، جایگاه قاضی و بازپرس تقویت شود. مدیریت باید در خدمت قاضی باشد، نه قاضی در خدمت بوروکراسی. هر معاونت و اداره باید بتواند روشن کند چه خدمتی به سرعت رسیدگی، سلامت قضائی، اتقان رأی و احقاق حق مردم می‌کند؛ و اگر پاسخ روشنی وجود ندارد، باید در ضرورت استمرار آن ساختار بازنگری کرد.

اما اصلاح قوه قضائیه از اصلاح ساختار اداری نیز بنیادی‌تر است: باید ببینیم قاضی را چگونه تربیت می‌کنیم. قضاوت با گرفتن مدرک حقوق آغاز می‌شود، اما با مدرک حقوق نمی‌توان قاضی ساخت.

کسی که چند سال در دانشگاه درس خوانده، آزمون داده و دوره کوتاهی را به عنوان کارآموز گذرانده است، لزوماً برای تصمیم‌گیری درباره آزادی، آبرو، مال و سرنوشت انسان‌ها به بلوغ قضائی نرسیده است.

قضاوت نیازمند ترکیب دانش حقوق، فقه و اصول فقه، تجربه، شناخت جامعه، پختگی شخصیتی و توانایی مهار احساسات است. قاضی باید پیش از آنکه تجربه‌اندوزی خود را با پرونده مردم آغاز کند، سال‌ها در کنار قضات باتجربه پرونده ببیند، تحقیقات را بشناسد، آرای مختلف را مطالعه کند و مسئولیت‌های تدریجی بپذیرد. می‌توان درباره یک مسیر طولانی، حتی در افق ده‌ساله، برای تربیت قاضی اندیشید. سرنوشت مردم محل کارآموزی قاضی نیست.

همین‌جا باید برای قضات باسابقه نیز جایگاه تازه‌ای تعریف کرد. قاضی پس از بیست و پنج یا سی سال خدمت نباید ناچار باشد میان ادامه صدور رأی تا فرسودگی و خروج کامل از دستگاه قضائی یکی را انتخاب کند. می‌توان نهادی مانند «قاضی ارشد» یا «قاضی پدر» تعریف کرد؛ قاضی‌ای که از صدور رأی روزمره فاصله گرفته، اما در دستگاه قضائی می‌ماند، به قضات جوان مشاوره می‌دهد، پرونده‌های پیچیده را بررسی می‌کند، تجربه خود را منتقل می‌سازد و در تربیت نسل جدید قضات نقش ایفا می‌کند. مشورت او باید راهگشا باشد، نه الزام‌آور؛ زیرا استقلال قاضی جوان نباید با سلسله‌مراتب جدیدی جایگزین شود. بازنشستگی قاضی نباید به معنای بازنشستگی تجربه قضائی باشد.

اما اگر واقعاً از مردمی‌سازی عدالت سخن می‌گوییم، نباید مردم را فقط در جایگاه تماشاگر یا مراجعه‌کننده به دادگستری ببینیم. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مردمی‌سازی، فراهم کردن امکان دفاع مستقیم مردم از حقوقی است که متعلق به همه آنان است.

مطابق ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری، حفظ حقوق عمومی از وظایف دادستان است. اما میان «حقوق عمومی» و مفهوم گسترده‌تر «حقوق عامه» باید تفکیک کرد. حقوق عامه را می‌توان در ساحت حقوق شهروندی و حقوق متعلق به عموم مردم دید؛ حقوقی که گاه صاحب خصوصی و معین ندارد، اما همه مردم در آن ذی‌نفع‌اند؛ مانند محیط زیست، انفال، اموال عمومی، منابع طبیعی، سلامت عمومی، امنیت و بسیاری از حقوق شهروندی. در چنین مواردی، مردم نباید صرفاً منتظر باشند که یک مقام رسمی، تضییع حق آنان را تشخیص دهد و برای احقاق آن اقدام کند.

اگر مردم در برابر تضییع حقوق عامه حق شکایت مؤثر و قابل پیگیری داشته باشند و در حدود قانون بتوانند در فرآیند رسیدگی حضور فعال داشته باشند، ادله و مستندات ارائه کنند، نسبت به تصمیمات اعتراض کنند و تا پایان فرآیند دادرسی، امکان پیگیری حقوق جمعی خود را از دست ندهند، یک حلقه مهم از نظارت مردمی بر دستگاه عدالت شکل خواهد گرفت. البته این امر نیازمند طراحی دقیق قانونی است تا از طرح شکایت‌های واهی، ایجاد مزاحمت برای دستگاه قضائی یا تبدیل حقوق عامه به ابزار منازعات شخصی جلوگیری شود.

مسئله مهم این است که حقوق عامه نباید به حق بی‌صاحب تبدیل شود. وقتی آلودگی یک رودخانه، تخریب محیط زیست، تعرض به منابع طبیعی، تضییع انفال یا تصرف اموال عمومی اتفاق می‌افتد، مردم ذی‌نفعان اصلی‌اند. اگر مردم امکان دفاع بی‌واسطه از این حقوق را نداشته باشند، در صورت ترک فعل یا تأخیر مقام مسئول، ممکن است حق عامه در فاصله میان تشخیص و اقدام، تضییع شود. مردمی‌سازی عدالت یعنی مردم بتوانند خودشان نیز پاسدار حقوق خود باشند؛ البته در چارچوب قانون و تحت نظارت قضائی. از سوی دیگر، ورود مردم به فرآیند عدالت باید از مسیر هیئت منصفه نیز تقویت شود. توسعه نقش هیئت منصفه، با رعایت موازین شرعی و قانون اساسی، فقط یک ابزار نظارت مردمی نیست؛ مدرسه عمومی حقوق نیز هست. شهروندی که در یک فرآیند قضائی حضور پیدا می‌کند، قانون را در زندگی واقعی می‌بیند و آن را با خود به جامعه می‌برد. قانون از متن کتاب بیرون می‌آید و به فرهنگ عمومی تبدیل می‌شود؛ به تعبیر دیگر، قانون وارد گوشت و پوست مردم می‌شود.

هیئت منصفه می‌تواند نقش دیگری نیز داشته باشد: نزدیک کردن اجرای قانون به واقعیت اجتماعی. گاهی قاضی قانون را به خوبی می‌شناسد، اما ممکن است به دلیل ناآشنایی با فرهنگ، سنت‌ها و عرف یک منطقه، موضوع را نادرست بفهمد. رفتار یا سخنی که در یک محیط معنای خاصی دارد، ممکن است برای فردی خارج از آن فرهنگ معنای دیگری پیدا کند. در چنین مواردی، شناخت اجتماعی و بومی اعضای هیئت منصفه می‌تواند به قاضی در فهم صحیح موضوع کمک کند.

این شناخت اجتماعی حتی می‌تواند در انتخاب واکنش کیفری مناسب‌تر و تعیین نوع، کیفیت و میزان مجازات در حدود اختیارات قانونی قاضی مؤثر باشد. مجازات زمانی می‌تواند اثر اصلاحی و بازدارنده بیشتری داشته باشد که با شرایط واقعی فرد، محیط اجتماعی، فرهنگ بومی و آثار اجتماعی رفتار مجرمانه تناسب داشته باشد. هیئت منصفه می‌تواند با انتقال همین شناخت اجتماعی به قاضی کمک کند تا تصمیم قضائی، در عین پایبندی کامل به قانون، دقیق‌تر، منصفانه‌تر، مؤثرتر و متناسب‌تر با واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی منطقه باشد. ممکن است یک واکنش در یک محیط اجتماعی اثر اصلاحی و بازدارنده مطلوبی داشته باشد و همان واکنش در محیطی دیگر، بدون توجه به شرایط بومی، نتیجه متفاوتی ایجاد کند. بنابراین شناخت جامعه نباید در بیرون از دادگاه بماند؛ باید در فرآیند اجرای عدالت نیز به رسمیت شناخته شود. قرار نیست مردم جای قاضی را بگیرند؛ قاضی همچنان مسئول تطبیق قانون و صدور رأی است. اما عدالت زمانی دقیق‌تر می‌شود که عقل حقوقی قاضی با شناخت واقعی جامعه پیوند بخورد. عدالت فقط دانستن قانون نیست؛ درست فهمیدن موضوع و درست نشاندن قانون بر موضوع نیز هست. هیئت منصفه می‌تواند همین فاصله میان «قانون روی کاغذ» و «زندگی واقعی مردم» را کاهش دهد و از خشکی و زمختی اجرای قانون بکاهد، بی‌آنکه اصل حاکمیت قانون مخدوش شود.

در کنار آن، باید جایگاه «خبرنگار قضائی» نیز به رسمیت شناخته شود؛ خبرنگاری متخصص که هم حقوق و آیین دادرسی را می‌شناسد و هم اصول روزنامه‌نگاری را رعایت می‌کند و بتواند به صورت مستمر و قانونی، جلسات علنی دادگاه‌ها و روندهای قضائی را رصد و برای مردم تبیین کند. خبرنگار قضائی نباید روابط عمومی قوه قضائیه باشد و نباید در رأی قاضی دخالت کند؛ اما باید بتواند درباره اطاله دادرسی، کیفیت فرآیند رسیدگی و عملکرد دستگاه قضائی سؤال کند. البته حریم خصوصی، اسرار پرونده، امنیت شهود و اصل برائت باید محفوظ بماند. آنچه مورد نیاز است شفافیت قضائی است، نه افشای قضائی.

نظارت مردمی و رسانه‌ای نیز باید در کنار نظارت حرفه‌ای قرار گیرد. هر نهاد نظارتی اگر خود از شفافیت و پاسخگویی کافی برخوردار نباشد، ممکن است به یک کانون جدید قدرت تبدیل شود. پرسش مهم این است: چه کسی ناظر ناظر است؟ راه‌حل، حذف نظارت نیست؛ بلکه متنوع کردن و شفاف کردن معماری نظارت است. قاضی باید از مداخله قدرت مصون باشد، اما از نظارت قانون، جامعه و رسانه مصون نباشد. پیام رهبر معظم انقلاب را نباید در تقویم هفته قوه قضائیه بایگانی کرد. آن پیام یک معیار روشن گذاشته است: مردم باید عدالت را در زندگی خود لمس کنند؛ مظلوم باید دادگستری را مأمن خود بداند، صاحب قدرت نباید جرأت تعدی داشته باشد و داشتن آشنا نباید امتیاز باشد. رسیدن به این نقطه با فربه‌تر کردن بروکراسی ممکن نیست. قوه قضائیه برای تحول، مدیر بیشتر نمی‌خواهد؛ قاضی باتجربه‌تر، مستقل‌تر و پاسخگوتر می‌خواهد؛ ساختار چابک‌تر، نظارت شفاف‌تر، مردم حاضرتر و رسانه حرفه‌ای‌تر می‌خواهد. قاضی باید آن‌قدر قدرتمند باشد که در برابر فشار بایستد و آن‌قدر پاسخگو باشد که در برابر مردم و قانون پاسخ داشته باشد. مردم نیز باید آن‌قدر در فرآیند عدالت حضور داشته باشند که حقوق عامه بی‌صاحب نماند. تحول قضائی از جایی آغاز می‌شود که قدرت اداری در خدمت عدالت قرار گیرد، قاضی در خدمت قانون و مردم نیز از تماشاگر عدالت به شریک پاسداری از عدالت تبدیل شوند. آن روز است که سخن از تحول، از سند و بخشنامه عبور می‌کند و به زندگی مردم می‌رسد.

بحران قبر در فلسطین

سرویس خارجی-

طبق گزارش‌هایی که منتشر می‌شود، نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در غزه، به بحران قبر در این باریکه منجر شده است.

رژیم صهیونیستی که حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا و مرتجعین عرب را داراست، در ادامه جنایت‌های جنگی خود در نوار غزه، نه تنها با بمباران و تیراندازی مستقیم جان فلسطینیان را می‌گیرد، بلکه حتی حق دفن شرافتمندانه را نیز از آنان سلب کرده است. گزارش‌های میدانی از کمبود فاجعه‌بار فضای کافی برای دفن قربانیان در غزه حکایت دارد؛ جایی که اجساد هزاران شهید در کوچه‌ها، چادرها و حتی زیر آوار ساختمان‌های ویران شده، باقی مانده است.

روایت تلخ جوان ۲۰ ساله

«عمر الساوی» جوان ۲۰ ساله اهل محله زیتون در شهر غزه، گرفتار کابوسی تلخ برای یافتن محلی برای آرام گرفتن پیکر پدرش، سرگردان مانده است. پدرش «محمد» ۴۰ ساله که در کنار جاده مشغول فروش چای و قهوه بود، در دهم ژوئن (۲۰ خرداد) بر اثر اصابت گلوله نیروهای اشغالگر به گردن، به شهادت رسید. جوان ۲۰ ساله برای دفن پدر راهی گورستان زیتون شد، اما با صحنه‌ای دلخراش مواجه گردید؛ قبرها چنان در کنار هم فشرده شده بودند که جایی برای حفر قبر جدید نبود. این قبور، متعلق به قربانیان نسل‌کشی رژیم صهیونیستی است که تنها با یک سنگ و تکبرگی شامل نام شهید مشخص شده‌اند؛ چرا که نه فضائی برای ساختن قبور جدید هست و نه امکاناتی برای سنگ‌قبر.

عُمر در گفت‌وگو با الجزیره گفت: «در میان انبوه قبور ایستادم، کوه‌هایی از شن و ماسه دیدم که مردگان زیر آن دفن شده‌اند. هر قبر فقط یک سنگ و یک کاغذ با نام شهید داشت.»

قیمت حفر یک قبر در غزه به ۵۰۰ شِکل (حدود ۱۶۷ دلار) رسیده است؛ مبلغی که برای خانواده «عمر» قابل پرداخت نبود. آنان چاره‌ای جز نبش قبر پدربزرگ و دفن پدر در همان قبر خانوادگی نیافتند. وزارت اوقاف غزه اعلام کرده است به دلیل کمبود شدید مصالح، هزینه دفن متوفی در غزه هم اکنون بین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ شکل (۲۳۵ تا ۳۳۵ دلار) متغیر است. از آغاز جنگ تجاوزکارانه در اکتبر ۲۰۲۳ (مهر ۱۴۰۲) تاکنون، دست‌کم ۷۳ هزار فلسطینی به شهادت رسیده‌اند (اگر چه برخی آمارهای غیر رسمی شمار شهدا را تا ۸۰۰ هزار نفر هم گفته‌اند). این در حالی است که نظامیان صهیونیست در حملات خود به آرامستان‌ها نیز رحم نکرده و بیش از ۴۰ گورستان در حملات هوائی و زمینی این رژیم به کلی تخریب شده است. اشغالگران همچنین با وضع محدودیت‌های شدید برای دسترسی به آرامستان‌های واقع در مناطق تحت کنترل خود، فشارها بر خانواده شهدا را تشدید کرده‌اند.

بر اساس اعلام منابع رسمی، پس از آتش‌بس کذایی اکتبر ۲۰۲۵ (مهر ۱۴۰۴) نیز دست‌کم ۱۲۰۰ فلسطینی دیگر نیز به دست صهیونیست‌ها به شهادت رسیده‌اند. از زمان برقراری آتش‌بس، بقایای اجساد ۵۲۹ شهید از هفت گورستان دسته‌جمعی واقع در محوطه بیمارستان‌ها خارج شده است. با وجود این فرصت، بسیاری از خانواده‌ها همچنان در حال نبش قبور موقت و انتقال پیکر عزیزان خود به قبور دائمی هستند. بر اساس اذعان «اکرمی المدلل»، مسئول رسانه‌ای وزارت اوقاف غزه، ۶۰ گورستان این باریکه پیش از آغاز جنگ نیز تقریباً به ظرفیت کامل رسیده بودند. وی تصریح کرد: «به دلیل کمبود فضا، ناچار به احداث گورستان‌های جدید هستیم.» اما صدها هزار آواره فلسطینی که خانه‌های خود را بر اثر بمباران و دستورهای تخلیه اجباری از دست داده‌اند، بسیاری از زمین‌های تعیین‌شده برای گورستان را به پناهگاه تبدیل کرده‌اند. انتقال اجساد از اماکن موقت به گورستان‌ها نیز نیازمند هماهنگی با نهادهای دولتی و محلی است و این مسئله کاری زمان‌بر و دشوار محسوب می‌شود.

حیرت قبرکن کهنه‌کار

«طفش ابوحطب»، قبرکن ۵۰ ساله با ۱۹ سال سابقه، می‌گوید جنگ کنونی غزه سخت‌ترین دوره کاری عمرش بوده است. گورستان خان‌یونس که پیش از جنگ تنها ۶۰ قبر داشت، اکنون میزبان ۶ هزار شهید است. در اوج حملات، طفش روزانه ۳۵ قبر حفر می‌کرد. وی با چشمانی اشکبار به الجزیره گفت: «هرگز چنین خون‌ریزی و وحشتناکی را تجربه نکرده بودیم. هیچ روزی نیست که ده‌ها شهید دفن نشوند. بیشتر کشته‌شدگان، زنان و کودکان شیرخوار هستند. گاهی پیکر یک خانواده کامل را بعد از بمباران یک ساختمان، خودرو یا چادر، در آرامستان دفن می‌کنیم. صهیونیست‌ها خانه‌هایمان را روی سرمان ویران می‌کنند و ما از همان آوار، قبرهایمان را می‌سازیم.»

کمبود آرامگاه در غزه برای به خاکسپاری شهدا در حالی رخ داده است که برآوردها نشان می‌دهد هنوز هزاران قربانی زیرآوارها هستند و در صورت تفحص آنها، این باریکه نیازمند اماکن بیشتری برای تدفین شهدا است.

گزارش میدانی الجزیره بار دیگر چهره وحشیانه رژیم اشغالگر قدس را به نمایش می‌گذارد. توحش صهیونیست‌ها نه تنها به کشتار جمعی فلسطینیان انجامیده، بلکه با تخریب زیرساخت‌های دفن، کرامت انسانی آنان را نیز هدف داده است. سکوت شرم‌آور مدعیان حقوق بشر و حمایت تسلیحاتی و سیاسی آمریکا از این رژیم، همدستی آنان در این فاجعه عظیم انسانی را اثبات می‌کند. این در حالی است که جنایت صهیونیست‌ها و نسل‌کشی فلسطینیان پایان نیافته و همچنان با شدت ادامه دارد.

کشتار ادامه دارد...

در حالی که مردم غزه اکنون تحت محاصره صهیونیست‌ها و فقدان امکانات لازم برای تدفین عزیزان خود هستند، حمایت آمریکا و کشورهای غربی و برخی مرتجعین عرب بر شدت توحش رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان افزوده است. تنها طی روز گذشته، در حملات صهیونیست‌ها به اردوگاه آوارگان نصیرات در مرکز غزه، دست‌کم ۲ فلسطینی شهید و ۷ تن دیگر مجروح شدند. منابع بیمارستانی در این باریکه می‌گویند هیچ روزی نیست که مراکز درمانی غزه شاهد پذیرش شهدا نباشد. در سوی دیگر، صهیونیست‌ها در حال تکرار نسل کشی غزه این بار در کرانه باختری هستند. تنها در یک مورد، نظامیان صهیونیست در اقدامی شنیع یک نوجوان ۱۴ساله فلسطینی را در نابلس از ناحیه سینه هدف شلیک مستقیم گلوله جنگی قرار داده و به شهادت رساندند.

رئیس سازمان انرژی اتمی:

فناوری هسته‌ای ایران به ۱/۵ میلیون بیمار خدمات ارائه می‌دهد

رئیس سازمان انرژی اتمی بیان کرد: هم‌اکنون ۱/۵ میلیون بیمار از خدمات هسته‌ای در پزشکی استفاده می‌کنند.

محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی روز یکشنبه(۱ شهریورماه) در آیین بزرگداشت روز پزشک در صنعت هسته‌ای درباره تجاوزات دشمن به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران گفت: نخستین هدفی که در عملیات‌ها از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی مورد حمله موشکی و بمباران قرار گرفت، کارخانه تولید سوخت صفحه‌ای در سایت اصفهان بود. این کارخانه‌ای است که سوخت مورد نیاز راکتور تهران را تامین می‌کند و این راکتور تهران تحقیقاتی است و عمدتا برای پژوهش و کارهای تولید مربوط به رادیوداروها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وی افزود: در مجتمع خنداب خط تولید اکسیژن ۱۸ را هدف قرار داد که مواد مورد نیاز «پت اسکن‌ها» است. این نماد شفاف و عریان تفکرات دشمنان ایران است؛ چراکه آنان دقیقاً دانش و دستاوردهایی را هدف تهاجم قرار داده‌اند که مستقیماً با بهداشت و سلامت مردم در ارتباط است.

اسلامی ادامه داد: هم‌اکنون سالانه بیش از ۱/۵ میلیون بیمار در سراسر کشور از محصولات تشخیصی و درمانی سازمان انرژی اتمی استفاده می‌کنند و این فرآورده‌ها به کشورهای گوناگون نیز صادر می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: در راستای پیشرفت علم و فناوری، به‌کارگیری شیوه‌های نوین درمانی از اولویت‌های کشور است که در همین زمینه، دستیابی محققان به فناوری «پلاسمای سرد» مسیری کاملاً نو و امیدبخش را در عرصه پزشکی گشوده است.

فناوری پلاسما در ۲۰ درمانگاه کشور بیماران را درمان می‌کند

رئیس سازمان انرژی اتمی در ادامه با بیان اینکه فناوری پلاسما در مسیر تکاملی خود، علاوه‌بر دستیابی به نتایج درخشان پژوهشی، نقش مؤثری در حوزه سلامت ایفا کرده است، اظهار داشت: هم‌اکنون بیش از ۲۰ درمانگاه زخم در سراسر کشور با بهره‌گیری از این فناوری، به درمان سرطان و التیام دردهای بیماران می‌پردازند.

به گزارش تسنیم، وی افزود: حلقه مفقوده اصلی در این مسیر، لزوم کوتاه‌تر کردن فرآیند تجاری‌سازی و شتاب‌بخشی به گذر از فاز پیش‌بالینی به بالینی است تا این خدمات هرچه سریع‌تر در دسترس عموم قرار گیرد. با سرمایه‌گذاری انجام‌شده و امضای تفاهمنامه همکاری میان سازمان انرژی اتمی، وزارت بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی ایران، فصل نوینی در توسعه فناوری و کاربردی‌سازی تحقیقات آغاز شد.